

سه گانه ای در باب تحول هویت: خوانش رمان های دیوید فاستر والاس

عبدالرضا گودرزی (نویسنده مسؤل)

مربی، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بروجرد، بروجرد، ایران

مرتضی لک

استادیار، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

چکیده

پیشرفت فرهنگ و ادبیات در سه دوره متوالی مدرنیسم، پسامدرنیسم و پسا پسامدرنیسم از اواخر قرن بیستم را می توان یکی از عوامل بارزی دانست که منجر به زنجیره تحول انسان شده است. در مدرنیسم، برتری قدرت اصیل و حکومتی بر مردم مشهود بود و بعداً در عصر پسامدرنیسم یا سرمایه داری متأخر، مفهوم چندپارگی زندگی مردم را کنترل می کرد. اما در سومین دوره یعنی پسا پسامدرنیسم، نوعی انسان گرایی جدید توسط نویسندگان مبتکری مانند دیوید فاستر والاس معرفی شد که در فلسفه نگارش خود، نه تنها درد و محدودیت های انسان بلکه ابزارهای درمانی را نیز مورد توجه قرار می دهند. از طریق دروازه های فکری فلسفه والاس، به ذهنیت انسان جایگاه ویژه ای بخشیده می شود و به لطف فرصتی که در شبکه های اجتماعی بدست می آید، می تواند یک نوع اشتراک و ارتباط متقابل در میان افراد پراکنده از هم بوجود آورد. به عبارت دیگر، همه افراد بیگانه و محدود می توانند نقش عوامل فعال، ارتباط دهنده و تولید کننده را داشته باشند که خود دقیقاً برعکس انسان نظاره گر، منفعل، خواننده و ارتباط دهنده یک طرفه ای است که توسط ساختارهای دوره های گذشته تربیت شده است. بنابراین، هدف از مطالعه حاضر بررسی سه گانه دیوید فاستر والاس (۱۹۶۲-۲۰۰۸) شامل رمان های جاری سیستم (۱۹۸۷) شوخی بی نهایت (۱۹۹۶) و پادشاه رنگ پریده (۲۰۱۱) از نقطه نظر فلسفی خود والاس در باب پسا پسامدرنیسم است.

واژگان کلیدی: تحول هویت؛ انسان؛ پسا پسامدرنیسم؛ دیوید فاستر والاس.